

اداره دولت جنگ و سرمایه‌داری ایرانی



کیومرث‌اشترینان

کیومرث‌اشترینان، مدیرعامل شرکت پارس پتروشیمی

تفویض اختیار به سرمایه‌داری ایرانی برای پشتیبانی از مقاومت ملی در زمان محاصره دریایی ایران یک ضرورت است. این به معنی تفویض اختیارات لازم تنظیم‌گری خدمات عمومی در تأمین کالاهای اساسی به سرمایه‌داری ایرانی و پذیرش صلاحیت‌های تخصصی و تجربی آنان در اداره امور عمومی است. سرمایه‌داری ایرانی می‌تواند بخش مهمی از بار قوه مجریه را بر عهده بگیرد و این مستلزم آزادی سرمایه و نقش «سرمایه» در استانداردهای کالا و خدمات و تولید و تجارت است. وظیفه دولت بازتوزیع ثروت در راستای عدالت اجتماعی است و نه جایگزین‌شدن با تجربه و تخصص بخش خصوصی در تجارت و تولید. این یک تئوری برای اداره قوه مجریه در ایران است. درک و کفتمانی‌سازی چنین رویکردی در حکمرانی از مهم‌ترین ظرایف در اداره دولت است.

اداره قسوه مجریه در زمان جنگ نیازمند تجدیدنظر در سازوکارهای اداری است که می‌توان از آن به «حقوق اداری جنگ» نام برد. سبک اداره قسوه مجریه در زمان جنگ نیازمند تفویض اختیارات عمودی و افقی است. دولت پزشکیان در روندی آشکار به دولتی پشتیبانی‌کننده از خدمات عمومی و به دولتی غیرسیاسی تبدیل شده است. بنا بر طبیعت جنگ، «تصمیم حکومتی»، کمتر سیاسی و بیشتر نظامی-سیاسی است.

اینک جنگ وارد دوره جدیدی شده و نقش «دولت پشتیبان» را مهم‌تر کرده است. فارغ از هر قضاوتی درباره غیرسیاسی‌شدن دولت پزشکیان، دولت باید بتواند با سرعت و کفایت به تأمین منابع حیاتی برای پشتیبانی از مقاومت در جنگ اقدام کند. این مستلزم تحلیل و بازاندیشی مستمر در نحوه مدیریت اجرایی کشور است. چارچوب منعطف برای اداره امور مستلزم انعطاف و چابکی لازم برای تفویض اختیار سلسله‌مراتبی و در عین حال افقی به‌صورت هم‌زمان و گزینشی است. الگوی مدیریت موفق نظامی مبنی بر جنگ موزائیکی می‌تواند برای اداره قسوه مجریه هم مفید باشد. یعنی اداره کشور در زمان جنگ نیازمند:

- کوتاه‌شدن فرایندهای اداری

- تفویض اختیارات عمودی

- کاهش نقش کارگروه‌ها در فرایند تصمیم‌گیری

- تحدید یا تعطیلی تصمیم‌گیری شورایی - تفویض اختیارات عمودی در افق جغرافیایی

- تفویض اختیارات تنظیم‌گری به بخش خصوصی

- تمرکززدایی از تصمیم‌گیری

- تسامح قضائی در رسیدگی به پیامدهای ناخواسته تصمیم‌گیری و… است.

تفویض اختیارات یکی از مهم‌ترین موضوعات حقوق اداری جنگ است که دو بُعد اساسی دارد: نخست، از قانون‌گذار به قوه مجریه و دوم، از مجریه به تنظیم‌گری بخش خصوصی. تفویض اختیار و تمرکززدایی در مقابل تمرکزگرایی مطرح می‌شود. اما در زمان جنگ و به‌ویژه با توجه به محاصره دریایی ایران توسط آمریکا، یک تنش نظری ایجاد می‌کند که فهم عمیق آن برای قوه مجریه بسیار ضروری است. به بیان دیگر، در حالی که تفویض اختیار به قسوه مجریه و قدرت‌یابی قسوه مجریه مهم می‌شود، در عین حال باید قسوه مجریه بتواند اختیارات وسیعی به بخش خصوصی و به معنای دقیق کلمه «سرمایه‌داری ایرانی» واگذار کند. دولت باید از سرمایه‌داری توده‌ای اجتناب کند و سرمایه‌داران بزرگ ملی را برای بازگانی و تولید به خدمت بگیرد. متأسفانه تصور و درک دیوان‌سالاری ایرانی از خصوصی‌سازی نوعی توده‌ای‌گرایی است که بیش از پیش ناکارآمدی بخش عمومی را دامن می‌زند. در بسیاری از حوزه‌های گوناگون بخش عمومی در ایران (ازجمله در سرمایه‌داری مولد غیررانتی) اجمالا سه طبقه بالا، متوسط و پایین از فعالان اقتصادی وجود دارند. تصویر اجمالی و مثالی این چنین است: طبقه بالای سرمایه‌داری مولد که «شمار اندکی» هستند، بیش از ۷۰ درصد قدرت تولید و تجارت را دارند. طبقه دوم ۲۰ درصد قدرت و امکانات تولید و تجارت را دارند، اما شمار آنان بیشتر است؛ مثلاً ۲۰ هزار سرمایه‌دار متوسط. طبقه سوم ۱۰ درصد قدرت تولید و تجارت را دارند؛ مثلاً ۵۰ هزار سرمایه‌دار خُرد. دیوان‌سالاری ایرانی (اعم از قوه مقننه و مجریه) به دلیل تعداد انبوه این دومی و سومی امتیازاتی برای آنان قائل می‌شود که غیرمولد است. این امتیازات به ناکارآمدی بخش خصوصی و هدررفت منابع

در قالب امتیازات گوناگون رانتی منجر می‌شود.

۳۳
ادامه در صفحه ۶

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۵ ذی‌القعدة ۱۴۴۷
۳ می ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۷۵
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

روزنامه شرق، شماره ۱۳۰۰۰، ۲۰۲۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: چرا ترامپ برنده محاصره نمی‌شود؟ • «نام‌های سیاست» و جریان زیرزمینی مواجهه ؛ رویارویی اتمی • روایت دانایی در جغرافیای کوچ / علی سلطانی

تصمیم جنجالی ترامپ برای خروج ۵ هزار نظامی آمریکایی از خاک آلمان

مجازات ناتو

گفت‌وگوی احمد غلامی با محمود دولت‌آبادی

غرق شدن در هیچ



این گفت‌وگو را در صفحه ۴ بخوانید.عکس:کوشی شرق

یادداشت

گذار به انرژی پاک در شمال، به بهای آلودگی در کشورهای جنوب



محمدحسین عمادی

تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین به یکی از جدی‌ترین بحران‌های عصر حاضر تبدیل شده‌اند؛ بحرانی که پیامدهای آن از افزایش سطح آب دریاها تا تشدید خشک‌سالی‌ها، امنیت غذایی و زیست‌پذیری بسیاری از مناطق جهان را تهدید می‌کند. در واکنش به این وضعیت، گذار از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های پاک به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دستور کار دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ قرار گرفته است. انرژی خورشیدی، بادی و خودروهایی برقی اکنون نمادهای این گذار به شمار می‌روند و اغلب به‌عنوان راه‌حل‌هایی «سبز» و پایدار معرفی می‌شوند. اما این گذار، چهره‌ای پیچیده‌تر از آنچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد، دارد. توسعه فناوری‌های پاک، به‌ویژه باتری‌های لیتیومی، پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی، به‌شدت وابسته به استخراج مواد معدنی خاصی است که از آنها با عنوان «مواد معدنی حیاتی» یاد می‌شود؛ موادی مانند لیتیم، کبالت، نیکل و عناصر نادر خاکی. این منابع طبیعی محدود، به‌سرعت در حال تبدیل‌شدن به پیشران‌های اصلی اقتصاد جهانی هستند؛ تا جایی که در گزارش منتشرشده در آخرین شماره گاردین از آنها به‌عنوان «نفت قرن بیست‌ویکم» یاد شده است. افزایش تقاضای جهانی برای انرژی‌های پاک، وابستگی اقتصاد جهانی به این مواد معدنی را به‌طرز چشمگیری افزایش داده است. خودروهایی برقی برای عملکرد خود به باتری‌هایی نیاز دارند که حاوی مقادیر قابل‌توجهی لیتیم و کبالت هستند. همچنین، زیرساخت‌های انرژی خورشیدی و بادی بدون

یادداشت

رشد اجاره مسکن را در سال جاری ممنوع کنید



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

خود محروم‌کنند.

۵- منتقدان می‌گویند اجرای چنین سیاست‌هایی هرچند به معیشت خانوارهای مستاجر کمک می‌کند، اما در مقابل معیشت مالکان املاک استیجاری را در هم می‌شکند؛ زیرا آنان دارایی خود را در این حوزه متمرکز کرده و انتظار کسب درآمد معقول را مانند سایر حوزه‌ها دارند. در پاسخ باید گفت گروه موجرها را می‌توان در سه دسته زیر طبقه‌بندی کرد: دسته اول منابع درآمدی متعددی دارند و درآمد ناشی از اجاره فقط یکی از این درآمد‌هاست یا املاک متعددی دارند که کاهش اجاره‌بها هرچند درآمد کل آنان را کاهش می‌دهد، اما مشکلی برای آنان ایجاد نمی‌کند.

دسته دوم به‌طور هم‌زمان هم مستاجر و هم مالک هستند؛ زیرا ملک خود را بنا به دلایلی اجاره داده یا خود در یک ملک استیجاری که امکانات بهتری دارد، سکونت دارند. با محدودشدن اجاره‌بها این دسته منتفع می‌شوند؛ زیرا درآمد ناشی از اجاره آنان از هزینه اجاره پرداختی‌شان کمتر است.

دسته سوم که البته بسیار کم‌تعداد هستند، شامل آن گروه از موجرها می‌شود که درآمد اندکی از محل اجاره‌بها دارند و البته درآمد دیگری هم ندارند. این دسته با محدودشدن اجاره‌بها متحمل زیان خواهند شد. با عنایت به این نکته مهم، دولت اگر به این نتیجه برسد که محدودکردن اجاره‌بها منافع بزرگ برای اقتصاد ملی دارد، می‌تواند به اشکال مختلف از این دسته کم‌تعداد حمایت کند.

واکاوی تأثیر پیوند جنگ و تعلق بر آینده اقتصاد

درگفت‌وگوبا حسین راغفر

جنگ، صلح و هزارتوی

معیشت

۲

برگزیده‌ها

افزایش قیمت‌ها و جنگ، بازار کار زن‌های کشور را کوچک‌تر کرد

زنانِ بازنده تورم

۳

آیا ترامپ در تله جنگ علیه ایران قرار گرفته است؟

تنگنای راهبردی واشینگتن

۲

روایتی از تجربه آتش‌بس و تداوم تعلیق

بلا تکلیفی روزها

۸

از هوش مصنوعی

تا توجه به تغییرات ژئوپلیتیکی

اسکار قوانینش را تغییر داد

۸

نگاه

پس از تجاوز آمریکا

به ایران خادم

یا خائن کیست؟

یادداشتی از مهدی زارع

۸

یادداشت

جان‌فدای صرفه‌جو

اهمیت فداکاری خاموش مردم در روزهای سخت



امیرستاری

در روزهایی که کشور در شرایط جنگی تمام‌عیار نوبن قرار گرفته، جنگی که میدان آن علاوه بر خیابان‌ها و خاکریزها، زیرساخت‌ها، شبکه‌های انرژی و حتی روان جامعه است، سخنان اخیر رئیس‌جمهور، دکتر مسعود پزشکیان، یادآور یک حقیقت تاریخی مهم است: ملت ایران همیشه بخش مهمی از بیروزی‌های خود را نه‌فقط در میدان جنگ، بلکه در خانه‌ها، رفتارها، انتخاب‌ها و سبک زندگی روزانه رقم زده است. دکتر پزشکیان با خطاب قراردادن «۳۰ میلیون جان‌فدای ایران»، از مردم خواست در مصرف برق و انرژی صرفه‌جویی کنند. جمله کلیدی او، «اگر در خانه ۱۰ چراغ روشن است، دو چراغ روشن بماند، چه اشکالی دارد؟» در ظاهر ساده است، اما در بطن خود یک راهبرد بزرگ دفاع ملی را حمل می‌کند؛ راهبردی که شاید امروز، بیش از هر زمان دیگر، باید آن را به عنوان نوعی فداکاری ملی فهم کرد.

جنگ جدید، فداکاری جدید می‌طلبد

جنگ امروز که در امتداد جنگ ۴۰روزه است، در پی یک هدف مشخص است: فلج‌کردن زیرساخت‌ها و تبدیل رضایت عمومی به نارضایتی. همان‌گونه که رئیس‌جمهور یادآور شد، بخشی از حملات اخیر با این هدف صورت گرفت که سیستم انرژی کشور را مختل کرده، فشار روانی ایجاد کند و از این مسیر مردم را از حکومت و از یکدیگر جدا کند.

هوالیاقی

و مرگ گاهی ریحان می‌چیند

در این روزهای پردرد، درگذشت دوست و برادر عزیزمان هنرمند و فرهنگ‌پرور ایران دوست

محمود رضا بهمن‌پور

مدیر نشر «نظر» با راندهوی مضاعف

بر دل‌مان گذاشت. روحش شاد و یادش جاودان

سیدمصطفی تاج‌زاده، فخر السادات مختشمی‌پور

۳۳
ادامه در صفحه ۷
